



نظامیان ایران در برابر رسالتی تاریخی

سالگرد «روز آرتش» در شرایطی فرا می رسد که اینبار خطری بی سابقه و تمام عیار کشور ایران و ملت تحت ستم آن را تهدید می نماید و ادامه دست اندازیهای نابخردانه جمهوری اسلامی، در روند سیاسی ممالک همسایه، میروند تا دیر یا زود ملت و به خصوص آرتش ایران و کلیه نیروهای نظامی و انتظامی را در برابر اتخاذ تصمیمی اساسی قرار دهند.

بیشک ترکیب گشتن میان و دراز مدت، اثرات ناشی از سقوط دو نظام ایدئولوژیک-فاناتیک طالبانی در افغانستان و بعثی-نظامی در عراق که منجر به همسایگی چند جانبه امریکا با میهن ما گشته اند، و همچنین عاجز گشتن سران جمهوری اسلامی در خاموش کردن دامنه رو به گسترش اعتراضات عمومی، دیر یا زود سران حکومت فاشیستی-مذهبی آخوندی را که همواره مصالح ملی و مردمی ایران و ایرانیان را قربانی تفکرات فرقه‌ای و ادامه بقای نامشروع خود نموده اند، به واکنشی خطرناک وا خواهد داشت که حاصل آن چیزی جز کشتار و ویرانی بیشتر برای کشور و ملت ما نخواهد بود. در این راستا، عملکردهای آشکار و پنهان و سخنان غیرمسئولانه کلیه سران بلندپایه نظام همچو خامنه‌ای، خاتمی و به خصوص تهدیدهای اخیر سردار بی افتخار و شکست خورده‌ای همانند محسن رضایی، که سواد نظامی اش محدود به جنگهایی همچو خندق و خیبر می باشد و بی شرمانه با بجا گذاشتن هزاران رزمجوی ایرانی در باتلاقهای هویزه و جزایر مجنون خود از مقابل نیروهای صدام گریخت، متاسفانه بهترین محک بر این ادعا می باشند.

آری، ادامه اختلال در روند آرام سازی و بازسازی افغانستان که باعث تضعیف دولت حمید کارزای و محدود گشتن دامنه اقتدار آن به قلمرو شهر کابل گشته اند، ایجاد دسیسه‌ها و جنایات گوناگون به منظور از میان برداشتن علمای میانه رو برای دست یابی به سودای درازمدت و بیمارگونه ایجاد یک حکومت مذهبی-شیعه در عراق و همچنین و همچنان حمایت مالی و لجیستیکی از گروههای دست نشانده و تروریستی در لبنان و مناطق فلسطینی، همراه با تلاش برای بهره برداری سریع از انرژی اتمی به منظور ایجاد سلاحهای کشتار دستجمعی برای تثبیت قدرت و ایجاد یک هژمونی اسلامی در منطقه، همه و همه در ادامه روند سیاستهای بارها اعلام گشته مذهبی روح الله خمینی و ضد تجدد سران کنونی و تکنوکراتهای نظام می باشند که مغایرتی ۱۸۰ درجه‌ای و صد در صد با اساس اعلام گشته نظم نوین جهانی و قدرت محرکه آن، یعنی ایالات متحده امریکا و ملتش رادارند که پس از فاجعه ۱۱ سپتامبر مصمم به خشکاندن چشمه‌های تروریسم و بنیادگرایی اسلامی گشته اند.

اینک جمهوری اسلامی که بسیاری از تحلیل گرایان امریکا از آن به عنوان «مادر تروریسم اسلامی» نام می برند، با زیر پا گذاشتن منافع ملی ایران و با دل خوش کردن به حمایت کاذب و مزورانه اروپائینی که پس از سقوط صدام، حال دست به دامن همان امریکا گشته اند تا شاید سهمی در عراق پس از واژگون شدن متحد چند روز پیش خود ببرند، به تشنجات منطقه دامنه میزند. بیشک ادامه اینگونه اغتشاشات در همسایگی شرقی و غربی میهنمان، همراه با مانورهای خصمانه ناوچه‌های سپاه در برابر ناوگان عظیم و بسیار پیشرفته اتحاد جهانی به سرکردگی امریکا در خلیج فارس و سرانجام اعلام حمایت از حکومت سوریه، که بارها و بارها جزایر سه گانه و همیشه ایرانی ابوموسی و تنب بزرگ و کوچک را قلمرو عربی

نامیده است، شرایطی را پیش آورده اند که سرآغاز گردبادی بسیار سهمگین تر و مخرب تر از کلیه بلاها و فجایع ربع قرن گذشته میهنمان می باشد.

لذا و در چنین شرایطی بیش از هر زمان دیگری بر کلیه آزادیخواهان و میهن پرستان ایران و به خصوص کلیه پرسنل نیروهای نظامی و انتظامی کشور، که در حقیقت شمشیر برنده و سپر دفاع ملت ایران می باشند و نه ابزاری در خدمت حکومتی غیر مردمی، واجب است که هوشیار بوده و از هرگونه دخالتی در امور عراق و افغانستان تحت ادعای دفاع از مسلمین خودداری نمایند.

بیشک چنین نافرمانی و مقاومت منفی مسئولانه ای، در راستای دیگر اقدامات شجاعانه نیروهایی می باشند که با یاد آوردن دلاوری و ایثار ۸ ساله آنها در برابر عراق می بایست که به نام «آرتش و نظامیان ملی ایران» و نه جمهوری اسلامی از آنها نام برد. نیروهایی که باور پیوستن ناگهانی و یا آتی آنها به صفوف رو به گسترش قیام ملی آرامش حکام نامشروع را آنچنان بهم زده که بسیاری از رژه های آنها، در چنین روزهایی که بیش از هر زمان دیگر برای قدرت نمایی کاذبی نیاز دارند، لغو نموده اند.

«روز آرتش»، بر تمامی خادمان جان برکف ایران که شمشیر برنده و سپر دفاع ملت و میهن می باشند، خجسته باد!

۲۹ فروردین ۱۳۸۲

کمیته هماهنگی جنبش دانشجویی برای دموکراسی در ایران